

بررسی جای نام شهر کته براساس اسناد مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی

سید فضل‌اله میردهقان اشکذری^I، آرمان بختیاری^{II}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NB.2021.23474.2280

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۰۱-۸۱

چکیده

I. استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).
s.mirdehqan@basu.ac.ir

II. دانشیار گروه زبان‌های باستانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.

کته، یکی از مراکز استقرار است که به همراه میبد، نائین و فهرج، چهار شهر مهم ناحیه یزد را تشکیل می‌دادند. اگرچه متون محلی یزد، ایجاد آن را مربوط به دوران قبل از اسلام می‌دانند که توسط «اسکندر مقدونی» احداث شده و در دوران اسلامی موجودیت نداشته است؛ با این وجود، متون جغرافیایی از آن به‌عنوان یکی از شهرهای دوران اسلامی نام می‌برند. این مقاله با هدف بررسی جای نام شهر کته و با شیوه توصیفی تاریخی-تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است؛ ۱- جایگاه شهر کته در منابع چیست؟ ۲- با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی دشت یزد-اردکان و تطبیق آن با توصیفات متون، کدام یک از مراکز استقرار در این دشت را می‌توان با کته مطابقت داد؟ متون محلی کته را از ساخته‌های اسکندر می‌دانند که برخی از اسرای گرفته‌شده در نبرد با «داریوش سوم» را در آنجا زندانی می‌کند. این شهر پس از ساخت شهر یزد، متروک شده و ساکنین به این شهر مهاجرت می‌کنند. اما، جغرافیدانان آن را یکی از مراکز استقرار ناحیه یزد در دوران اسلامی دانسته که نشان‌دهنده تناقض بین گفته‌های آنان با متون محلی یزد است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جغرافیدانان مسلمان با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی ناحیه یزد از واژه کته برای نامیدن یکی از مراکز استقرار آن استفاده کرده‌اند که با تطبیق توصیفات آنان با ویژگی‌های جغرافیایی دشت یزد-اردکان می‌توان دهستان رستاق را پیشنهاد داد؛ چراکه این دهستان از همان ابتدا از مجموع چندین روستا تشکیل شده بود که این روند تا به امروز نیز ادامه دارد. این دهستان از دیرباز یکی از قطب‌های کشاورزی استان یزد به‌شمار می‌آید. هم‌چنین به دلیل وجود راه ری-کرمان از اهمیت زیادی برخوردار و به واسطه وجود آن با استقرارهای جنوب و جنوب‌شرق ایران در ارتباط بوده است. این امر با توجه به داده‌های باستان‌شناسی قابل اثبات است.

کلیدواژگان: شهر یزد، ناحیه یزد، کته، سکه‌های ساسانی، منابع جغرافیایی.

مقدمه

یکی از ابهاماتی که درباره ناحیه یزد می‌توان ذکر کرد، وجود ابهاماتی است که درباره کثه و شهر یزد وجود دارد که همین امر باعث شده است تا محققین گوناگون نظرات متفاوتی را نسبت به آن داشته باشند؛ هم‌چنین یکی از عواملی که باعث افزایش ابهامات شده است، نبود داده‌های باستان‌شناسی است که بتوان آن‌ها را با کثه مرتبط دانست. اگرچه شهر یزد مرکز حکومت‌های محلی مانند: «آل کاکویه» (۵۳۶ - ۴۳۳ ه.ق.)، «اتابکان» (۷۱۸-۵۳۶ ه.ق.) و «آل مظفر» (۷۹۵-۷۱۸ ه.ق.) بوده، اما در طول تاریخ خود، مرکز حکومت‌های بزرگ نبوده و در کنار شرایط سخت آب‌وهوایی، سبب شده است تا جغرافیدانان مسلمان اطلاعاتی چندانی درباره آن برای ارائه نداشته باشند؛ به همین دلیل، مشاهده می‌شود که حداقل در قرون اولیه اسلامی تصویر روشنی از شهر یزد، که یکی از ضرابخانه‌های دوره ساسانی بوده است (Malek, 1966: 243)، ارائه نکنند.

پرسش‌های پژوهش: ۱- جایگاه شهر کثه در منابع چیست؟ ۲- با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی دشت یزد-اردکان و تطبیق آن با توصیفات متون، کدام یک از مراکز استقرار در این دشت را می‌توان با کثه مطابقت داد؟

روش پژوهش: هدف این مقاله، بررسی اهمیت و جایگاه شهر کثه در منابع تاریخی و متون جغرافیایی است که با روش توصیفی تاریخی-تحلیلی به این مهم پرداخته است. از دیدگاه توصیفی و تاریخی به بررسی جای نام کثه براساس فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها و متون تاریخی و محلی پرداخته و از داده‌های باستان‌شناسی نیز استفاده شده است. از دیدگاه پژوهشی نیز به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده و تطبیق آن‌ها با ویژگی‌های جغرافیایی دشت یزد-اردکان پرداخته است.

پیشینه پژوهش

درباره جای نام شهر یزد، تاکنون تحقیقات پراکنده‌ای صورت گرفته و بیشتر محققین در بازسازی جغرافیای تاریخی این ناحیه به صورت خلاصه و گذرا به این مسأله پرداخته‌اند. «بارتولد» (۱۳۵۸: ۱۸۴) شهر یزد را با شهر کثه، یکی دانسته و معتقد است که کثه نام قدیم شهر یزد بوده است. «لسترنج» (۱۳۸۶: ۳۰۶) نیز معتقد است که نام شهر یزد در ابتدا کثه بوده و پس از این که نام شهر به یزد تغییر کرد، ولایت یزد را کثه می‌خواندند و به آن «حومه» گفته می‌شد. «شواتس» (۱۳۷۲: ۴۴) نیز معتقد است که نام قدیم یزد کثه بوده که امروز به نام «یزد» می‌خوانند. «لمبتون» (۲۰۰۷: ۵۵۷) نیز معتقد است این شهر در دوره خلافت عباسی تحت نام کثه جزئی از ولایت فارس بوده که بعد از حمله مغولان جزئی از ایالت جبال می‌شود. «افشار» (ج ۲، ۱۳۷۴: ۵۷) و «آیتی» (۱۳۱۷: ۳۰) محله امروزی «کثنویه» را همان شهر یزد دانسته‌اند که در متون جغرافیایی و محلی از آن یاد شده است. «مرتضایی» و «میردهقان» (۱۳۹۳) به بررسی جایگاه شهر یزد در متون صدر اسلام پرداخته و آن را به عنوان یکی از شهرهای این ناحیه معرفی می‌کنند. «جودکی» و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی شهر یزد در سده‌های نخستین اسلامی پرداخته‌اند و معتقدند که شهر یزد

و کته موقعیت جغرافیایی واحدی را نشان می‌دهند که با محور تاریخی شهر یزد کنونی در محلات: «فهادان»، «بازار نو»، «کوشک نو»، و «دارالشفاء» منطبق هستند.

واژه کته

کته، یکی از مهم‌ترین مراکز استقراری در ناحیه یزد است که در متون جغرافیایی صدر اسلام تا قرون میانه اسلامی از آن نام برده می‌شود. در متون محلی یزد نیز کته از جایگاه متفاوتی برخوردار است، که ساخت آن به روزگار اسکندر مقدونی منتسب شده است.

«دهخدا» به نقل از منتهی‌الارب درباره واژه کته می‌نویسد: «کته» نام شهر حومه یزد و اصل آن «کُتوه» است.

در فرهنگ قاموس محیط درباره این واژه آمده است: «کُته: اسم مدینه یزد، اصلها کُتوه» (فیروزآبادی ج ۴، ۱۴۱۵: ذیل واژه کته).

همان‌طور که از تعاریف بالا مشخص است، کته خلاصه شده واژه کُتوه می‌باشد که در کتاب لسان العرب درباره آن چنین آمده است: «الکُتوه: التراب المجتمع کالجُتوه» (ابن منظور ج ۱۵، ۱۴۱۴: ذیل واژه کتوه).

این کلمه از ریشه «الکُت» می‌باشد که به معنای «انبوه» و «متراکم» است. «کثیب» نیز یکی از مشتقات دیگر این واژه است که در فرهنگ منتهی‌الارب درباره آن آمده است: «توده ریگ بدان جهت که ریزان و مجتمع است» (صفی‌پوری، ۱۳۹۰: ذیل واژه کثیب).

لذا با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفت که کته در اصل واژه عربی است که به دلیل وجود برخی از ویژگی‌های جغرافیایی در ناحیه یزد، هم‌چون وجود تپه‌های شن روان، به یکی از مراکز استقراری آن اطلاق شده است.

شهر کته در دوران قبل از اسلام

از بین منابع گوناگون، متون محلی یزد احداث کته را مربوط به دوران پیش از اسلام دانسته و معتقدند به وسیله اسکندر مقدونی احداث شده و برخی از سرهنگان داریوش سوم را در این محل زندانی می‌کند. «جعفری» در این باره چنین می‌نویسد: «بعد از آن اسکندر بعضی از سرهنگان داراب را که با ایشان اعتمادی نداشت با خود همراه کرد و از عراق متوجه خراسان شد. چون بسر بیابان خراسان رسید که اکنون شهر یزد است به لشکر فرمود تا قلعه بساختند و نهری جاری کردند و کسی از آن خود را آنجا نشانند و آن جماعت را در آنجا ساکن گردانید و آن مقام را کته نام نهاد و این اول عمارت یزد است که آن را زندان ذوالقرنین می‌خوانند» (۱۳۴۳: ۲۶ و ۲۷). اسکندر برای تأمین آب مورد نیاز کته، قناتی را به نام «دهاباد» جاری می‌کند که آن را به عنوان اولین قنات یزد معرفی کرده‌اند (همان: ۱۸۴). این داستان با به تفاوت‌هایی اندک در متون محلی دیگر نیز ذکر شده و معتقد هستند که پس از ساخت شهر یزد، تمامی جمعیت آن به شهر یزد منتقل می‌شوند (مستوفی بافقی ج ۳، ۱۳۸۵: ۷۳۳).

متون محلی ایجاد شهر یزد را مربوط به دوران قبل از اسلام و دوره ساسانی می‌دانند که موجودیت متفاوتی نسبت به شهر کته داشته است. جعفری در این باره می‌نویسد: «و بعد از بهرام مملکت به یزدجرد بن بهرام رسید... چون یزدجرد بن بهرام] به کته رسید آب و هوای کته، وی را موافق آمد گفت نذر کردم که این مقام را شهری سازم به نام یزدان بتایان ممالک را جمع کردند و منجمان به طالع سنبله یزد را بساختند» (۱۳۴۳: ۲۰).

همان طور که مشخص است، بین جغرافیدانان مسلمان و مورخین محلی درباره کته اختلاف نظر وجود دارد، مورخین محلی این شهر را مربوط به دوران پیش از اسلام دانسته که بعد از ایجاد شهر یزد متروک می‌شود.

اگرچه در منابع تاریخی اشاره چندانی به شهر یزد نمی‌شود، اما براساس سکه‌های ساسانی، می‌توان این شهر را یکی از ضرابخانه‌های این دوره دانست. یکی از قدیمی‌ترین سکه‌هایی که در یزد ضرب شده مربوط به «بهرام چهارم» (۳۹۹-۳۸۸ م.) می‌باشد که نام یزد با نگارش پهلوی شکسته به گونه **𐭮𐭲𐭮** (کوتاه نوشت یزد) در پشت سکه برای نشان دادن مکان ضرب سکه آمده است (Malek, 1966: 243); هم‌چنین پادشاهان دیگر ساسانی از جمله «خسرو اول»، «هرمز چهارم» و «خسرو دوم» نیز سکه‌هایی در یزد ضرب کرده‌اند که در پاره‌ای از آن‌ها این نام با نگارش کامل به گونه **𐭮𐭲𐭮𐭲𐭮** آمده است (Ibid: 243). واژه YZD نشان‌دهنده جای نام ضرب سکه است و برهمن پایه با نویسه‌های بزرگ نشان داده می‌شود؛ چراکه در نگارش پهلوی <a> درونی نشان داده نمی‌شود. پس این واژه را می‌توان به گونه yaz(a)d آوانوشت کرد که به خوبی بیانگر نام شهر یزد است.

این جای نام همانند بسیاری دیگر از جای نام‌های ایرانی که از انگاره‌های دینی و آئینی و واژه‌های اهورایی اوستایی برگرفته شده‌اند، مانند: «کوه الوند» (<auruuant> اوستایی «دلیر و چابک» که به گونه «اروند» نشان‌دهنده نام رودی در ایران است یا نام «البرز» (<Hara brazaiti> که اوستایی «هرای بلند» است (پورداد، ۱۳۷۷: ۳۲۷؛ Bartholomae, 1961: 1787); از یکی از واژه‌های اهورایی اوستایی که از دسته واژه‌های پرسامد دین زردشتی است، برگرفته شده‌اند. هم‌چنین جای نام‌های دیگری، مانند: «یزدخواست» نیز وجود دارند که با «یزد» و «ایزد» در پیوندند. واژه یزد در پهلوی به گونه «yazd» به معنی «ایزد، خداوند، پروردگار» به کار رفته (Mackenzie, 1971: 97) که جمع آن به گونه «yazdān» به معنی «ایزدان» است. در فارسی میانه و پهلوی اشکانی تورفانی به گونه «yazd» با همین معنی و نیز در نام خاص «yazdāmad» در فارسی میانه مانوی به کار رفته است (Boyce, 1975: 103)، (تصاویر ۱ و ۲).

«yaz» در پهلوی ماده مضارع بوده، ماده ماضی آن «yašt» و گونه مصدری آن «yaštan» به معنی «ستودن، برگزارکردن آئین دینی» است (منصوری، ۱۳۸۴: ۵۱۹). واژه yazd «ایزد» (<-yazata> اوستایی «ستودنی، آن‌که ستوده خواهد شد» (Bartholomae, 1961: 1274). این واژه، صفت مفعولی آینده از ریشه «yaz» به معنای «ستودن، ستایش کردن، نیایش کردن و برگزارکردن آئین دینی» است (ابوالقاسمی،



▲ تصویر ۱. سکه بهرام چهارم ضرب یزد (www.vcoins.com).



▲ تصویر ۲. سکه هرمز چهارم ضرب یزد (www.vcoins.com).

۱۳۸۱: ۱۴۷). این ریشه در فارسی باستان بر پایه قانون آوایی «<<d/z» به گونه «yad» آمده است (Kent, 1953: 204). «yaz» در ایرانی باستان با «yaj» در سنسکریت هم‌ریشه است (Bartholomae, 1961: 1278). از این ریشه در زبان فارسی واژه‌های «یزد»، «ایزد»، «یزدان»، «یزشن»، «یشتن»، «یسن»، «یشت»، «جشن»، «مزدیسنا» «پیرو مزدا، مزداپروست» آمده است. در واقع، همه این واژه‌ها از این ریشه اوستایی سرچشمه می‌گیرند و مشتقاتی از آن در زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی هستند. بنابراین چه گفته شد، واژه پارسی یزد «yaz(a)d» پهلوی، «ایزد» «<-yazatan» اوستایی، «ستودنی، شایسته ستایش». از آنجایی که گونه پارسی باستان آن «yad» با «/ d-/» به کار رفته است، پس این واژه در زبان فارسی از ریشه پارسی باستان «yad» نیامده است و دنباله گونه اوستایی مادی و در واقع، ایرانی شمال غربی - اوستایی است.

شهر کته در دوران اسلامی

براساس منابع موجود، «اصطخری» (۱۳۷۳: ۹۱) اولین جغرافیدانی است که از کته به همراه میبد، نائین و فهرج، به عنوان یکی از چهار شهر مهم ناحیه یزد یاد می‌کند (۱۳۷۳: ۹۱). وی، کته را بدین صورت توصیف می‌کند: «... و اما کته که حومه یزد است شهری است خوش و نزه و با نعمت فراوان و راحت بی پایان به کناره بیابان موضع است و آب‌وهوای آن خوش و نزه و درست می‌باشد و تمامت روستای آن با خصب و ارزانی و نعمت و دعت هرچه تمام‌ترند و بیشتر بنیاد خانه‌های ایشان از سغ گل است» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۹۳).

اگرچه «ابن خردادبه» (۱۳۷۰: ۳۹) نیز به ناحیه یزد پرداخته، ولی از شهر یزد به عنوان یکی از شهرهایی یاد می‌کند که در مسیر راه ری به کرمان قرار داشته و نامی از کته نمی‌برد.

اصطخری از همان ابتدا کته را شهری در حومه یزد می‌داند و به احتمال زیاد، منظور وی از لفظ یزد، شهر یزد است؛ چراکه حومه به جایی اطلاق می‌شود که در اطراف و گرداگرد یک شهر باشد (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه حومه). نکته دیگر این‌که اصطخری به روستا و یا روستاهایی اشاره می‌کند که تشکیل دهنده شهر کته هستند؛ زیرا واژه تمامت به معنای جملگی، همه و همگی است (همان، ذیل واژه تمامت). این نکات با استفاده از توصیفات جغرافیادانی که در ادامه درباره آن‌ها صحبت خواهد شد، قابل اثبات است.

«ابن حوقل» (۱۳۴۵: ۳۶) نیز همانند اصطخری، شهر کته را یکی از چهار شهر مهم ناحیه یزد می‌داند که در حومه یزد قرار داشته و همان توصیفات اصطخری را، با اندکی تفاوت، درباره آن بیان می‌کند. حدودالعالم (بی‌نام، ۱۳۷۳: ۳۸۱) از انار، بهره، کته، میبد و نائین، به عنوان شهرک‌هایی یاد می‌کند که بر حد میان پارس و بیابان قرار داشتند.

«مقدسی» (ج. ۱، ۱۳۶۱: ۷۱۷) از یزد و کته به عنوان شهرهایی یاد می‌کند که در گرداگرد کویر قرار داشتند؛ وی هم‌چنین یزد را یکی از شهرهای یهودیه و میبد را، که یکی از شهرهای ناحیه یزد بوده است، به عنوان یکی از شهرهای کوره اصطخر معرفی

می‌کند (ج. ۱، ۱۳۶۱: ۶۸) که این امر می‌تواند بیان‌کننده تأثیرپذیری جغرافیدانان از شرایط سیاسی زمان خود باشد؛ چراکه در آن دوران یزد از لحاظ سیاسی یکی از شهرهای اصفهان بوده و این وابستگی امر چندان ثابتی نبوده و پس از گذشت مدت زمانی کوتاه باز یزد در حوضه یکی از نواحی ایالت فارس قرار می‌گیرد (مرتضایی و میردهقان، ۱۳۹۳: ۱۶۷). با توجه به گفته‌های مقدسی درباره یزد، می‌توان چنین استنباط کرد که پیوستگی یزد با فارس در قرون نخستین اسلامی، امر ثابتی نبوده و گاه متأثر از تحولات سیاسی تغییر می‌کرده است (ابویی‌مهریزی، ۱۳۸۳: ۴۱)؛ چراکه در این دوره، یزد به همراه اصفهان، کاشان، قم، نطنز و جریادگان در حیطه تصرفات «مؤیدالدوله ابونصر بویه» (۳۷۳-۳۶۶ ه.ق.) بوده است (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۱۲). پس از مقدسی، «حموی» نیز، همانند پیشینیان خود، از این چهار شهر نام برده و در توصیفات خود درباره کثه می‌نویسد: «کثه: به تخفیف الثاء موضع به فارس و هی مدینه کوره یزد من کوره اصطخر. قال الاصطخری و من اجل المدن التی تکنون بکوره اصطخر مما یلی خراسان کثه و هی حومه یزد و ابرقوه و هی مدینه علی طرف البریه و لها طیب هواء و تربة و صحه و خصب لها رساتیق تشتمل علی صحه و خصب و رخص» (حموی، ج. ۴، ۱۹۷۵: ۲۳۹).

حموی نیز کثه را یکی از شهرهای حومه یزد معرفی می‌کند که دارای روستاهای زیادی بوده است. اما در ذیل واژه یزد (همان: ۱۰۱۷)، شهر یزد را توصیف می‌کند که همین امر نشان‌دهنده جدا بودن شهر یزد از کثه بوده است. وی در توصیف شهر یزد، آن را به عنوان یکی از شهرهای متوسط بین نیشابور، شیراز و اصفهان معرفی می‌کند که جزئی از کوره اصطخر بوده و نام آن را بر روی ناحیه گذاشته‌اند. از طرفی دیگر، وی کثه را قصبه یزد دانسته است. در فرهنگ معین «قصبه» به معنای «آبادی بزرگی» است که از چندین ده تشکیل شده باشد (لغت‌نامه معین، ذیل واژه قصبه) که این گفته نیز به توصیف شهر کثه که دارای روستاهای زیادی بوده، قابل تطبیق است. یک قرن بعد «البغدادی» نیز کثه را دارای روستاهای زیادی دانسته که در حومه یزد قرار داشته است (جزء الثالث، بی تا: ۱۰۴۸). مؤلف این کتاب را می‌توان آخرین جغرافیدانی دانست که به کثه اشاره کرده است.

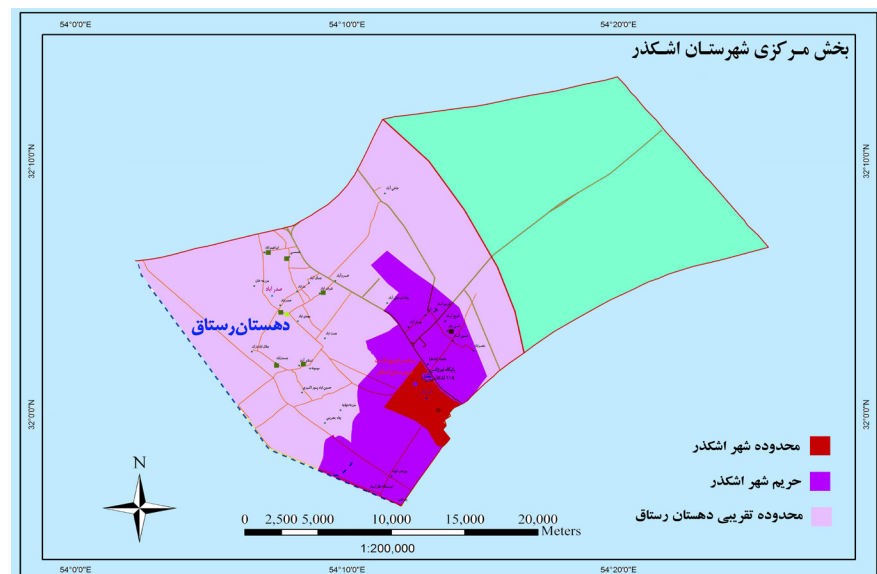
مکان یابی کثه

همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر گردید، متون محلی یزد، کثه را شهری مربوط به دوران پیش از اسلام دانسته که در دوران اسلامی موجودیتی نداشته است؛ در حالی که متون جغرافیایی آن را مربوط به دوران اسلامی می‌دانند و حداقل تا قرن هفتم هجری قمری از آن نام می‌برند. لذا احتمال دارد که عملاً شهری به نام کثه چه در پیش از اسلام و چه در دوران اسلامی در ناحیه یزد وجود نداشته است؛ چراکه از دیدگاه زبان‌شناسی واژه کثه، عربی است و نمی‌تواند ریشه‌ای در پیش از اسلام داشته باشد، ثانیاً از آنجاکه مورخین محلی یزد آشنایی کاملی با منطقه یزد داشته‌اند، لذا عدم اشاره آن‌ها به کثه در دوران اسلامی می‌تواند نشان‌دهنده عدم وجود چنین ناحیه شهری در دشت یزد-اردکان باشد.

«دهستان رستاق» یکی از نواحی استقرار ناهیه یزد و از توابع بخش مرکزی شهرستان اشکذر می باشد که به نوعی می توان آن را با توصیفات ذکر شده در متون جغرافیایی درباره کته مطابقت داد (نقشه ۱ و ۲)؛ چراکه می توان ویژگی های ذکر شده برای کته را در این دهستان جستجو کرد. لذا به منظور دستیابی به این هدف می توان دهستان رستاق را از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار داد.



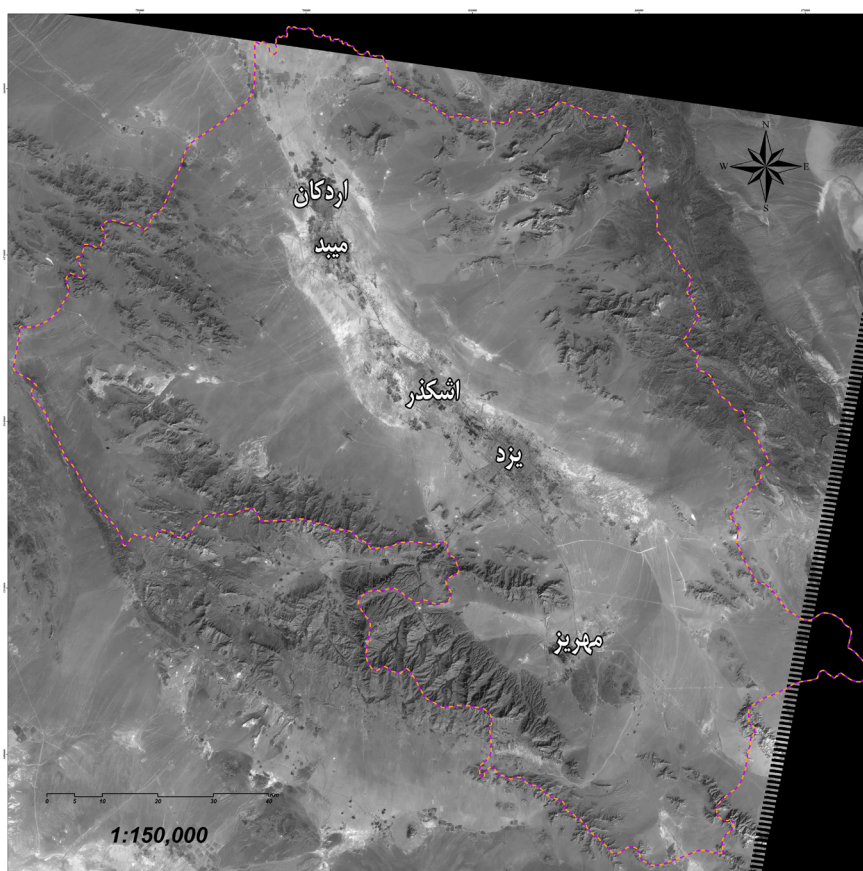
► نقشه ۱. موقعیت شهر اشکذر در استان یزد (نگارندگان، ۱۳۹۹).



► نقشه ۲. موقعیت دهستان رستاق در بخش مرکزی شهرستان اشکذر (میردهقان، ۱۳۹۳): ۵۵).

دهستان رستاق از دیدگاه جغرافیایی

دهستان رستاق، یکی از استقرارهای دشت یزد-اردکان بوده که باید ویژگی‌های جغرافیایی آن را در ارتباط با این دشت مورد بررسی قرار داد. دشت یزد-اردکان بزرگ‌ترین حوضه آبخیز استان یزد به‌شمار می‌رود که دارای مساحتی در حدود ۱/۵۹۵/۰۷۰ هکتار بوده و در بخش شمالی این استان واقع می‌باشد. این دشت، از لحاظ منابع طبیعی و انسانی، یکی از مهم‌ترین دشت‌های این استان به‌شمار می‌رود و بنابراین بیش از ۷۰٪ جمعیت استان در آن واقع شده است (سیفی، ۱۳۷۴: ۱۹۰)، (تصویر ۳).



تصویر ۳. جانمایی محدوده دشت یزد-اردکان بر روی عکس ماهواره‌ای (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۱: شکل ۱). ◀

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جغرافیایی دشت یزد-اردکان که زندگی مردم منطقه را نیز به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است، وجود تپه‌های شن روان می‌باشد که مساحت زیادی از این دشت را در بر گرفته‌اند. به‌طور کلی، مساحت شن‌های روان در استان یزد در حدود ۳۲۰ هزار هکتار می‌باشد و مساحت زیادی نیز در معرض فرسایش بادی قرار دارند؛ بدین ترتیب ۳٪ از کل تپه‌های ماسه‌ای ایران در استان یزد واقع شده و ۲٪ از مساحت این استان را تپه‌های ماسه‌ای پوشانده‌اند (سیفی، ۱۳۷۴: ۱۹۰).

یکی از مهم‌ترین مراکز استقراری در این دشت، دهستان رستاق است. این دهستان در گذشته از مجموع روستاهای مختلف تشکیل شده بود که امروزه از مجموع ۱۷ روستا تشکیل شده و از لحاظ تقسیمات سیاسی جزو بخش مرکزی شهرستان اشکذر به حساب می‌آید.

وجود تپه‌های شن روان در این دهستان، زندگی مردم را از گذشته تا به امروز به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. براساس مطالعات صورت‌گرفته، این تپه‌ها، که تپه‌های ماسه‌ای شمال غرب شهر یزد را تشکیل می‌دهند، به عنوان تپه‌های بسیار فعال شناخته شده‌اند که می‌توانند در سال، بسته به شرایط مختلف، بیش از ۱۰ متر جابه‌جا شوند (تصویر ۴)؛ هم‌چنین براساس این مطالعات، عمر این تپه‌ها در حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال تخمین زده می‌شود (اختصاصی، ۱۳۷۵: ۱۴۵).



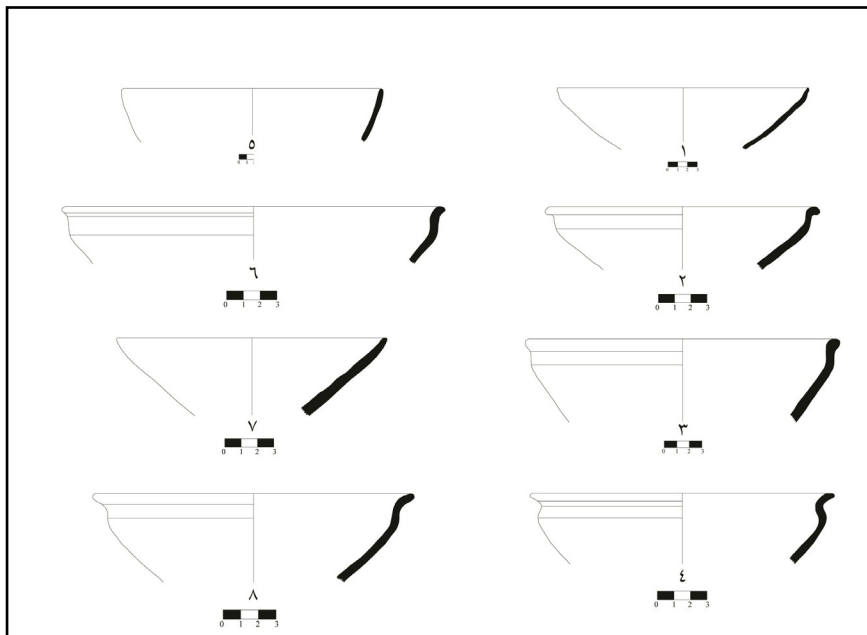
▲ تصویر ۴. تپه‌های شن روان در دهستان رستاق (میردهقان، ۱۳۸۵).

دهستان رستاق از دیدگاه تاریخی

روند شکل‌گیری این دهستان را می‌توان در دوره کُلی پیش از اسلام و پس از اسلام مورد بررسی قرار داد.

دوران پیش از اسلام: براساس متون محلی، ناحیه رستاق از همان ابتدا از روستاهای مختلفی تشکیل شده بود که منطقه مابین شهر یزد و ناحیه میبد را دربرمی‌گرفت. با توجه به متون محلی قدیمی‌ترین استقرار شکل‌گرفته در ناحیه رستاق اشکذر می‌باشد که در دوره اشکانی و توسط فردی به نام «اشک بن زال» احداث گردیده است (کاتب، ۱۳۴۵: ۴۱)؛ هم‌چنین متون ایجاد تعدادی دیگر از روستاهای این دهستان را مربوط به دوره ساسانی می‌دانند که از جمله آن‌ها می‌توان به فیروزآباد (مستوفی بافقی، ج. ۳، ۱۳۸۵: ۷۱۸)، ابرندآباد، بندرآباد (همان: ۷۱۳) و اسفنجرد (بی‌نام، ۱۳۵۳: ۵۶) اشاره کرد.

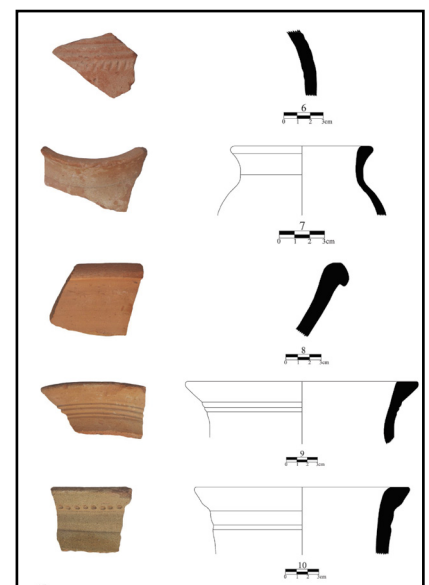
در بررسی‌های باستان‌شناختی که در این منطقه صورت‌گرفته، شواهدی به دست آمده که حداقل تاریخی که برای سکونت در این ناحیه می‌توان در نظر گرفت دوره اشکانی است (میردهقان، ۱۳۸۷ الف: ۸۸)، (تصویر ۵). این سفال‌ها اکثراً دارای خمیره قرمز رنگ بوده و از آمیزه شن و ماسه در آن استفاده شده است. سفال‌ها چرخ‌ساز بوده که آثار چرخ سفالگری به خوبی بر روی بدنه قابل مشاهده است. این نمونه‌ها با نمونه‌هایی که از شمال شرق ایران (هرینگ، ۱۳۷۶: شکل



تصویر ۵. نمونه سفال‌های اشکانی محوطه اشکذر (میردهقان، ۱۳۸۷ ب). ◀

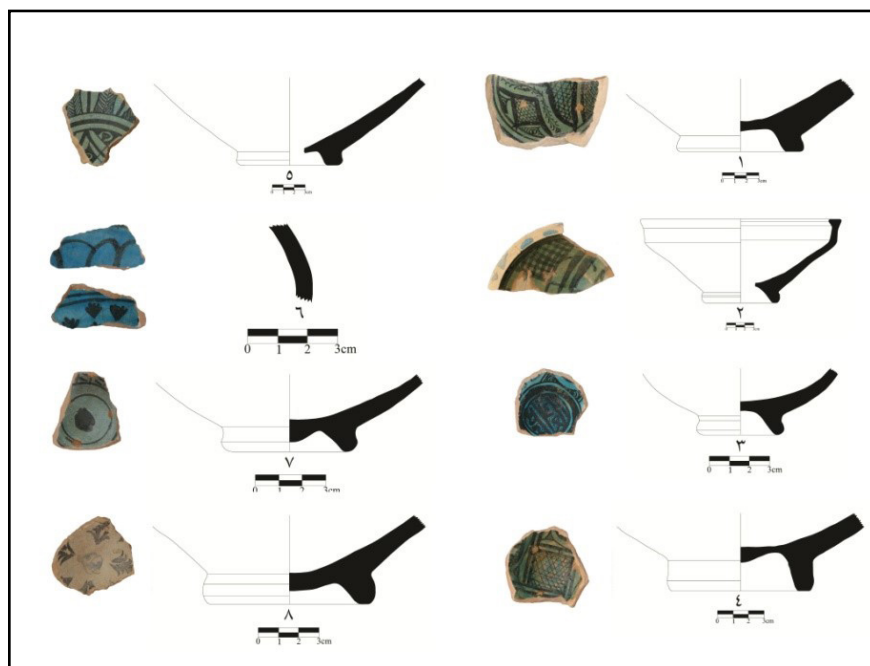
۳۵: ش ۵)، قلعه سام (همان: شکل ۳۶: ش ۴) و محوطه قومس (Hansman & Stronach, 1974: fig. 4: 3) به دست آمده‌اند، قابل مقایسه می‌باشند. از منطقه رستاق شواهدی شناسایی شده که شاید بتوان آن‌ها را به دوره ساسانی تاریخ‌گذاری کرد. سفال‌های این دوره نیز چرخ‌ساز بوده و در اکثر موارد دارای خمیره قرمز رنگ می‌باشند که به وسیله پوشش گلی نخودی یا قرمز پوشیده شده و آمیزه به‌کاررفته نیز شن و ماسه است (تصویر ۶). از جمله گونه‌های سفالی به دست آمده، کاسه‌هایی با لبه برجسته و گرد شده به سمت خارج هستند که نمونه‌های مشابه آن از قلعه یزدگرد به دست آمده‌اند (Keall & Keall, 1981: fig. 19: 13). از گونه‌های سفالی دیگر کوزه‌هایی هستند که با نقش کنده تزئین شده که با نمونه‌های به دست آمده از دوره ساسانی قابل مقایسه می‌باشند (Ibid: fig. 14: 1; Kennet, & 2004: fig. 37).

دوران اسلامی: اگرچه در طی چند قرن اولیه این دوره، اطلاعات چندانی درباره روستاهای دهستان رستاق در دست نیست، اما در دوره آل کاکویه به روستای «زارچ» اشاره می‌شود که «علاءالدوله کالنجار»، هنگام ساخت مسجد جامع یزد، پایایی را برای دسترسی به قنات زارچ احداث می‌کند که مردم از آب آن استفاده می‌کردند. در طی قرون بعد نیز روستاهای مختلفی به مجموعه روستاهای دهستان رستاق اضافه می‌شوند که این روند تا دوره قاجار ادامه می‌یابد؛ از جمله روستاهایی که در این دوران ایجاد می‌شوند می‌توان به: «عزآباد»، «جمال‌آباد»، «شرف‌آباد»، «همت‌آباد»، «جعفرآباد»، «عصرآباد»، «محمدآباد» و غیره اشاره کرد. از جمله محوطه‌های شناسایی شده در دهستان رستاق که می‌تواند به قرون اولیه اسلامی تاریخ‌گذاری کرد، محوطه «ملک‌آباد» است. در سطح این محوطه نمونه‌هایی از سفال لعاب‌پاشیده به دست آمده که به قرون سوم و چهارم هجری قمری تاریخ‌گذاری می‌شوند (میردهقان، ۱۳۸۷ الف: ۴۱).



▲ تصویر ۶. نمونه سفال‌های ساسانی به دست آمده از منطقه رستاق (میردهقان: ۱۳۸۷ ب).

از دوره ایلخانی نیز چندین محوطه شناسایی شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به محوطه‌های «توده»، «چهارده» و «خیاره» اشاره کرد (میردهقان: ۱۳۸۷ ب). حجم بسیار زیادی از داده‌های به دست آمده از این محوطه‌ها را سفال با تزئین نقاشی زیرلعاب تشکیل می‌داد که از گونه‌های رایج در این دوره بوده (Haddon, 1983: 20; Jenkins, 2012: 104) و در ادبیات باستان‌شناسی از آن به عنوان «سفال قلم‌سیاه» یاد می‌شود (تصویر ۷). نمونه‌های قابل مقایسه با آن‌ها از محوطه‌هایی نظیر: «غبیرا» (Bivar, 2000: 151)، «بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۶۴)، «قلعه الموت» (چوبک ج. ۱، ۱۳۸۶: ۹۸)، «دژ گلخندان» بومهن (فرحانی، ۱۳۸۶: ۱۳۸) و «توس» (Haddon Vol. 2, 2011: 1. 13. 6a & 1. 13. 6b) به دست آمده‌اند. هم‌چنین از دوره صفوی نیز آثار و شواهدی در برخی محوطه‌ها شناسایی گردید که از جمله آن‌ها می‌توان به محوطه «توده» و «چهارده» اشاره کرد (میردهقان، ۱۳۸۷ ب). از دوره قاجار نیز می‌توان به محوطه‌های «مزرعه‌خان» و «عصرآباد» (میردهقان، ۱۳۸۷ ب: ۱۷۵-۱۷۳) اشاره کرد که در دهستان رستاق شناسایی شده‌اند (تصاویر ۸ و ۹).



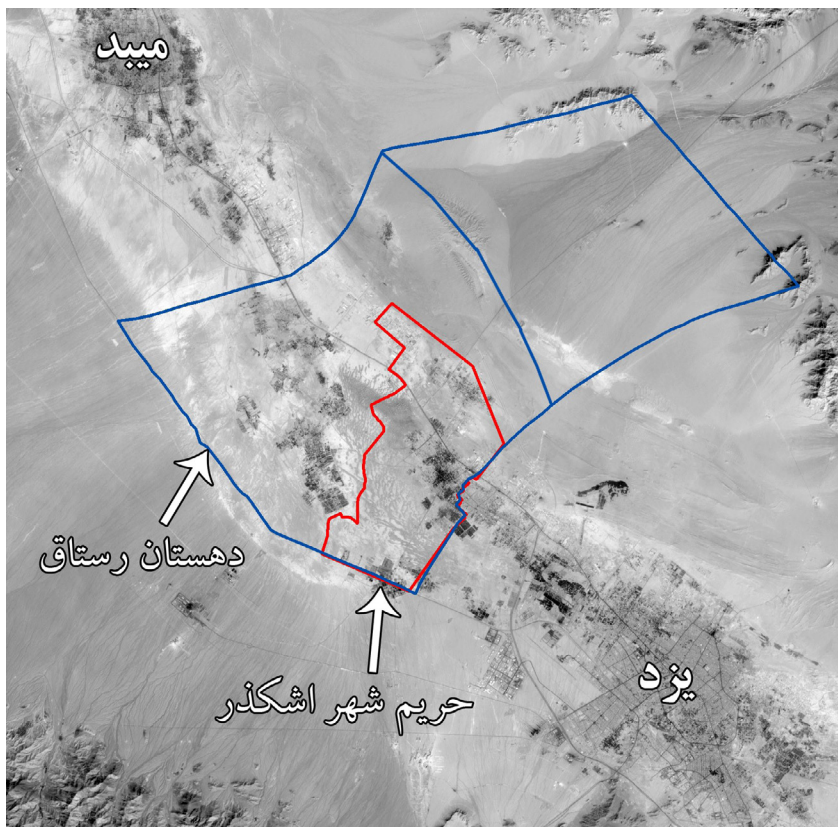
► تصویر ۷. نمونه سفال‌های قلم‌سیاه به دست آمده از محوطه توده، منطقه اشکذر (میردهقان، ۱۳۸۷ ب).

دهستان رستاق از دیدگاه اقتصادی

در پیدایش یک مجموعه زیستی، عواملی چون: آب، زمین، راه و امنیت، نقش وجودی و پراهمیت‌تری را داشته و بسته به موقعیت، یک یا چند عامل بسیار پررنگ‌تر، مهم‌تر و تأثیرگذارتر بوده است؛ شکل‌گیری هر آبادی در مکانی خاص نیز می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، اما آن‌چه شرط لازم برای شکل‌گیری مجموعه‌ای زیستی در یک مکان مشخص است، دارا بودن حداقل شرایط زیستی است تا ساکنین بتوانند براساس آن نیازهای اولیه خود را تأمین کنند. امکان



تصویر ۸. محدوده تقریبی دهستان رستاق با توجه به توضیحات متون محلی یزد (نگارندگان، ۱۳۹۹). ◀



تصویر ۹. محدوده تقریبی دهستان رستاق (نگارندگان، ۱۳۹۹). ◀

دسترسی به آب، امکان ایجاد امنیت، دسترسی به زمین‌های مناسب برای کشاورزی و یا دسترسی به زمین‌های مناسب جهت دامداری از لوازم اولیه‌ای است که یک مکان را قابل سکونت می‌کند (حناچی و آرمان، ۱۳۹۲: ۶۸). با این توضیح، دو عامل مهم را می‌توان در شکل‌گیری استقرارها در دهستان رستاق دخیل دانست.

۱- وجود خاک حاصلخیز: دشت یزد- اردکان یکی از مناطق استان یزد می‌باشد

که به دلیل موقعیت خاص خود و وجود خاک حاصلخیز یکی از قطب‌های کشاورزی استان به‌شمار می‌آید. امروزه بخش زیادی از زمین‌های کشاورزی در این دشت به زیرکشت پسته رفته که این محصول نیز، یکی از انواع مرغوب آن بعد از پسته رفسنجان به حساب می‌آید؛ علاوه بر آن کشت گلخانه‌ای نیز در این دشت رونق زیادی داشته و زمین‌های زیادی به این منظور اختصاص یافته است. در گذشته‌ای نه‌چندان دور، قبل از این که کشت گلخانه‌ای گسترش یابد، این دشت یکی از مراکز اصلی تولید صیفی‌جات به حساب می‌آمد و درصد بسیار زیادی از مردم استان را تغذیه می‌کرد. در متون جغرافیایی و تاریخی نیز به این مهم اشاره شده است و برخی از جغرافیدانان مسلمان مانند: «حافظ ابرو» (ج. ۲، ۱۳۷۸: ۱۱۰ و ۱۱۱) توصیفاتى هرچند مختصر، در رابطه با رونق کشاورزی در این منطقه داشته‌اند.

۲- جاده ری- اردکان: یکی از راه‌های بسیار مهمی که از دشت یزد- اردکان و

دهستان رستاق عبور می‌کند جاده ری- کرمان می‌باشد. این شاهراه از شهری شروع شده و به کرمان ختم می‌شود و به وسیله راه‌های فرعی دیگر به نواحی جنوب شرقی ایران متصل می‌گردد. دشت یزد- اردکان، به دلیل محاط شدن به وسیله چندین کوه مختلف، در یک کریدور طبیعی قرار گرفته و در واقع کوتاه‌ترین و بهترین مسیر را برای این راه فراهم می‌کرد. این جاده نواحی کشاورزی و مراتع حاشیه بیابان را به هم پیوند می‌داد و از کاشان به اردستان، نائین، عقدا نزدیک اردکان، میبد و سپس به یزد می‌رسید (یارشاطر، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

از یزد به کرمان نیز دو مسیر وجود دارد که هرکدام از آن‌ها دارای ۳۵۰ کیلومتر طول می‌باشند. مسیر امروزی که عمدتاً نیز از آن استفاده می‌شود، ابتدا وارد مهریز شده و پس از آن وارد شهر انار در کرمان می‌شود. این شاخه به احتمال زیاد از دوره صفویه و یا اندکی قبل از آن، رونق یافته و مورد استفاده کاروانیان قرار می‌گیرد (گابریل، ۱۳۴۸: ۶۰). دلیل رونق آن را نیز می‌توان احداث کاروانسراهای جدید در طی این شاخه دانست؛ اما شاخه دیگر، پس از گذشتن از یزد وارد فهرج شده و پس از آن به بافق و سپس به کرمان می‌رسیده است (همان: ۶۰؛ پیرنیا، ۱۳۷۰: ۸۸).

در دوران اسلامی با مطالعه متون جغرافیایی می‌توان نشانه‌هایی از این راه را به دست آورد که اگرچه آن‌ها به صراحت از این مسیر نام نمی‌برند، ولی با توجه به منازل که معرفی می‌کنند و تطبیق گفته‌های آنان با منازل که سفرنامه‌نویسان پیموده‌اند، می‌توان چنین استنباطی را از گفته‌های آنان داشت. به احتمال زیاد، این همان راهی است که حراست و نگه‌داری از آن در دوره ایلخانی بر عهده «شرف‌الدین مظفر» بوده است که محافظت از راه‌ها از اردستان تا کرمانشاهان و راه هرات و مروست و ابرکوه به او تفویض گشت (کتبی، ۱۳۶۴: ۳۲)؛ به طور مثال،

اصطخری (۱۳۷۳: ۱۲۰) هنگامی که به معرفی شهرها و نواحی مابین اصفهان و کرمان می‌پردازد، از شهرهایی نام می‌برد که در امتداد این مسیر قرار داشتند (تصویر ۱۰). ابن حوقل (۱۳۴۵: ۵۵) نیز از این ایستگاه‌ها نام برده و تنها تفاوت بین گفته‌های او و اصطخری این است که از منزل دوم به جای «أبان» از «أنار» یاد کرده است. با توجه به سفرنامه‌ها می‌توان به مسافرین زیادی اشاره کرد که از این مسیر استفاده کرده که از جمله آن‌ها می‌توان به «مارکوپولو» (۱۳۶۳: ۶۰)، «کشیش اودوریش» (گابریل، ۱۳۴۸: ۶۵)، «باربارو» (۱۳۴۹: ۸۲-۸۰) و «تاورنیه» (۱۳۶۹: ۱۱۵) اشاره کرد. او شرح سفر خود توصیف مختصری از منطقه‌ای را بیان می‌کند که پس از خروج از یزد با آن روبه‌رو می‌شود که پوشیده از شن روان بوده که به احتمال زیاد، با توجه به توضیحات وی، منظورش می‌تواند ناحیه رستاق باشد (همان: ۱۲۰ و ۱۲۱).



تصویر ۱۰. منازل بین‌راهی ذکرشده توسط اصطخری که با اندکی تفاوت توسط ابن حوقل نیز یاد شده‌اند (نگارندگان، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

جای نام یزد و کثه و ارتباط این دو با یکدیگر، یکی از موضوعاتی بوده است که همواره ذهن پژوهش‌گران حوزه یزد را به خود مشغول کرده است. برخی از آنان، به استناد متون محلی، کثه را شهری می‌دانند که توسط اسکندر ساخته شده و پس از احداث یزد متروک می‌شود؛ برخی دیگر نیز، به استناد متون جغرافیایی، معتقدند که یزد در گذشته، کثه نام داشته و پس از تغییر نام، کثه را به حومه آن اطلاق می‌کردند.

با بررسی سکه‌های دوره ساسانی مشخص است که شهر یزد، یکی از ضرابخانه‌های این دوره به‌شمار می‌آید که حداقل از زمان بهرام چهارم ساسانی اقدام به ضرب سکه در آن کرده‌اند که براساس داده‌های زبان‌شناسی مشخص است که این جای نام منحصراً به شهر یزد اشاره داد؛ هم‌چنین کثه کلمه‌ای عربی است از ریشه کث که به دلیل وجود تپه‌های شن روان در دشت یزد-اردکان، که یکی از ویژگی‌های شاخص آن به‌شمار می‌آید، به یکی از استقرارهای آن اطلاق شده

و متون جغرافیایی، زمانی که به توصیف کته می پردازند، به شهری اشاره می کنند که در توابع آن بوده و تطبیق ویژگی های جغرافیایی دشت یزد-اردکان با توصیفات متون مشخص می کند که منظور آن ها شهر یزد است؛ لذا می توان گفت که شهر یزد و کته هر دو جایگاهی متفاوت داشته و به دو مرکز استقرار متفاوت اطلاق می شده است.

با توجه به توصیفات متون جغرافیایی، تنها ناحیه استقرار که با توصیفات ذکرشده درباره کته مطابق دارد، دهستان رستاق است. این دهستان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود پوشیده از تپه های شن روان است که در طی سده های مختلف زندگی مردم را تحت تأثیر خود قرار داده و باعث متروک شدن برخی از استقرارها شده است؛ از طرفی دیگر، رستاق از دوران قبل از اسلام متشکل از روستاهای مختلفی بود که هم محدوده آن در طی سده های مختلف متفاوت بوده و هم تعداد روستاهای آن. با این وجود برخی از روستاهای آن، مانند اشکذر، امروزه توسعه یافته و به یکی از نقاط شهری تبدیل شده اند. از دیدگاه اقتصادی نیز می توان دو علت را برای اهمیت این دهستان ذکر کرد؛ یکی وجود راه ری به کرمان که باعث توسعه آن و ایجاد ارتباط فرهنگی با برخی از مناطق به خصوص جنوب و جنوب شرق ایران بوده که نمود آن را می توان در فرهنگ سفالی منطقه مشاهده کرد. از طرفی دیگر، وجود خاک حاصلخیز نیز توسعه کشاورزی را به همراه داشته که امروزه نیز با کشت گلخانه ای هنوز جایگاه خود را حفظ کرده است؛ لذا با در نظر گرفتن مجموع توصیفات که متون برای کته ذکر کرده اند و تطبیق آن با استقرارهای ناحیه یزد، محتمل ترین گزینه برای جایابی و مکان یابی کته، دهستان رستاق است که از دوران پیش از اسلام تا به امروز استقرارهای مختلفی در این ناحیه شکل گرفته، برخی از آن ها متروک شده و برخی دیگر توسعه یافته اند.

کتابنامه

- آیتی، عبدالحسین، ۱۳۱۷، تاریخ یزد یا آتشکده یزدان. چاپ اول، یزد: چاپخانه گلپهار.
- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۸۱، دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: انتشارات سمت.
- ابن حوقل، ۱۳۴۵، صورة الارض. ترجمه و تصحیح: دکتر جعفر شعار، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- ابن خردادبه، ۱۳۷۰، مسالک و ممالک. ترجمه دکتر حسین قره چانلو، چاپ اول.
- ابویی مهریزی، محمدرضا، ۱۳۸۳، سادات نعمت اللهی یزد در عصر صفوی. چاپ اول، یزد: واحد نشر بنیاد ریحانه الرسول.
- البغدادی، یصفی الدین عبدالمؤمن بن عبد الحق، بی تا. مراصد الاطلاع علی الامکنه و البقاع الجزء الثالث، تحقیق و تعلیق علی محمد البجاوی، دارالحیاه الکتب العربیه
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب. جلد ۱۵، دار صادر: بیروت.

- اختصاصی، محمدرضا، ۱۳۷۵، منشأ یابی تپه‌های ماسه‌ای در حوضه دشت یزد-اردکان. تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت آموزش و تحقیقات، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع
- اصطخری، ابواسحق، ۱۳۷۳، مسالک و ممالک. ترجمه اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش: ایرج افشار، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- افشار، ایرج، ۱۳۷۴، یادگارهای یزد. جلد ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- باربارو، جوزوفا، ۱۳۴۹، سفرنامه ونیزیان در ایران. ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات خوارزمی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیرووی، ۱۳۵۸، تذکره جغرافیایی ایران. چاپ دوم، ترجمه حمزه سردادور، انتشارات توس.
- بی‌نام، ۱۳۷۳. حدود العالم من المشرق الی المغرب. به تصحیح: منوچهر ستوده، تهران، انتشارات کتابخانه طهوری.
- بی‌نام، ۱۳۵۳، هفت کشور یا صورالاقالیم. به تصحیح: منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- پورداود، ابراهیم، ۱۳۷۷، یشتها. جلد دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- پولاک، یاکوب ادوارد، ۱۳۶۸، سفرنامه پولاک. ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.
- پورمحمدی، سمانه؛ رحیمیان، محمدحسن؛ منصور کلانتر، و پورمحمدی، سودابه، ۱۳۹۱، «پهنه بندی تأثیر خشک سالی بر پوشش گیاهی توسط سنجش از دور در دشت یزد-اردکان». پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، دوره ۴۴، شماره ۲، صص: ۱۲۵-۱۴۰.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۷۰، راه و رباط. تهران: انتشارات آرمین با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور.
- تاورنیه، ژان باتیست، ۱۳۶۳، سفرنامه تاورنیه. ترجمه حمیدرضا شیروانی، تهران: انتشارات کتابخانه سینایی.
- جعفری، جعفر بن محمد، ۱۳۴۳، تاریخ یزد. به کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جودکی عزیزی، اسداله؛ موسوی حاجی، سید رسول؛ و واثق عباسی، زهیر (۱۳۹۴)، «پژوهشی در سیمای شهر یزد در سده‌های نخستین دوران اسلامی». پژوهش‌های تاریخی، سال ۵۱، دوره جدید، سال ۷، شماره ۳ (پیاپی ۲۷)، صص: ۵۶-۳۹.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، ۱۳۷۵، جغرافیای حافظ ابرو. جلد ۲، تصحیح: صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.
- حموی، یاقوت، ۱۹۷۵، معجم البلدان. جلد ۳، بیروت: دار صادر.
- حناچی، پیروز؛ و آرمان، فهمیه، ۱۳۹۲، «شناخت ساختار کالبدی قلعه روستای خرائق با رویکرد تأثیرپذیری از الگوهای رفتاری». مطالعات معماری ایران، شماره ۲ (۴)، صص: ۸۶-۶۵.

- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۰، لغت‌نامهٔ دهخدا. تهران: شرکت افست گلشن.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، (۱۳۸۱)، فرهنگ آبادی‌های استان یزد، جلد ۲، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول.
- شواتس، پاول، ۱۳۷۲، جغرافیای تاریخی فارس. ترجمهٔ جهاننداری کیکاوس، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- صفی‌پوری شیرازی، عبدالرحیم بن عبدالکریم، سال ۱۳۹۰، منتهی‌الآزب فی لغه العرب. تصحیح و تعلیق: محمدحسن فؤادیان، علیرضا حاجیان نژاد، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، ۱۴۱۵، القاموس المحيط. جلد ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی، ۱۳۴۵، تاریخ جدید یزد. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- کتبی، محمود، ۱۳۶۴، تاریخ آل مظفر. به‌اهتمام: دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کمپفر، انگلبرت، ۱۳۶۶، سفرنامه کمپفر. ترجمهٔ کیکاووس جهاننداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- گابریل، آلفونس، ۱۳۴۸، تحقیقات جغرافیائی راجع به ایران. تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- لسترنج، گای، ۱۳۸۶، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمهٔ محمود عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مارکوپولو، ۱۳۶۳، سفرنامه مارکوپولو. ترجمهٔ منصور سجادی، آنجلادی جوانی رومانو، تهران: انتشارات گویش.
- مرتضایی، محمد؛ و میردهقان، سید فضل‌الله، ۱۳۹۳، «بازنگری در جایگاه شهر یزد در دوران صدر اسلام با تکیه بر اسناد مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دورهٔ ۴، شمارهٔ ۶، بهار، صص: ۱۷۴-۱۵۹.
- مستوفی، حمدالله، ۱۳۶۴، تاریخ گزیده. تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۸۹، نزهةالقلوب. تهران: انتشارات اساطیر.
- مستوفی بافقی، محمد مفید، ۱۳۸۵، جامع مفیدی. جلد ۱، به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ فارسی. تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمهٔ علی‌نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- منصوری، بداله، ۱۳۸۴، بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی. تهران: نشر آثار.
- میردهقان اشکذری، سید فضل‌الله، ۱۳۸۷ الف، «بررسی باستان‌شناختی منطقهٔ اشکذر و دهستان رستاق، استان یزد». به‌راهنمایی: هایداله، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

- میردهقان اشکذری، سید فضل‌الله، ۱۳۸۷ ب. «گزارش بررسی و شناسایی مقدماتی منطقه اشکذر و دهستان رستاق، شهرستان اشکذر». مرحله دوم، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد (منتشر نشده).
- هدین، سون، ۱۳۸۱، کویرهای ایران. ترجمه پرویز رجبی، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- هرینگ، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوره اشکانی. ترجمه حمیده چوبک، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۲۵۳۶، البلدان. ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- Ayati, A. 1939. History of Yazd, Yazd, Golbahar press (in Persian).
- Abolghasemi, M. 2003. Historical grammar of Persian language, Tehran, Samt press
- Aboei Mehrizi, M, R., 2005, Sadat Nematollahi of Yazd in the Safavid Period, Yazd, Rehana al.Rasoul press (in Persian).
- Afshar, I. 1996, Yazd Monuments Volume II, Tehran, Association of Cultural Works and Honors (in Persian).
- Al. Baghdadi, Observatories see the names of places and the Bekaa Volume III, Dar Al-Ahya Al-Kitab Al-Arabiya (in Persian).
- BarBaro, J. 1971, Travelogue of Venetians in Iran, Tr. M. Amiri, Tehran, Kharzmi Publications (in Persian).
- Barthold, V. V. 1980. Geographical Identity of Iran, Second Edition, tr. H. Sardadour, Toos Publications (in Persian).
- Bartholomae, Ch. 1961. Altiranisches Worterbuch. 2. unveranderte Auflage. Berlin.
- Bivar, A. D. H., & Baker, P. L. 2000. Excavations at Ghubayrā, Iran. School of Oriental and African Studies, University of London.
- Boyce, M. 1975. A Reader in Manichaeon Middle Persian and Parthian: texts with notes (Vol. 9). Leiden: Brill.
- Dekhoda, A. A., 1952. Tehran, Golshan Publication (in Persian).
- Ekhtesasi, M. R., 1997, Origin of Sand Dunes in Yazd-Ardakan Plain Basin, Tehran, Ministry of Jihad Sazandegi (in Persian).
- Firuzabadi, M. Y., 1994. Alqamus almuhit, Volume 4, Beirut, Dar al.Kotob al. Elmiah (in Persian).
- Gabriel, A. 1970. Geographical Research on Iran, Tehran, Ibn Sina Publications (in Persian).
- Geographical Organization of the Armed Forces. 2002. Culture of

settlements of Yazd province, volume 2, published by the Geographical Organization of the Armed Forces, first edition (in Persian).

- Haddon, R. A. W. 2011. Fourteenth century fine glazed wares produced in the Iranian world, and comparisons with contemporary ones from the Golden Horde and Mamlūk Syria/Egypt, (Doctoral dissertation, SOAS, University of London).

- Haddon, R. A. W., 2012, "Mongol influences on Mamluk ceramics in the fourteenth century". *The Arts of the Mamluks in Egypt and Syria-Evolution and Impact* (Vol. 1). Behrens-Abouseif, D. (Ed.). V & R unipress GmbH, Pp: 95-113

- Hafiz Abru, A. L. 1997. Geography of Hafez Abru, Volume 2, edited by Sadegh Sajjadi, Tehran, written heritage (in Persian).

- Hanachi, P., A, Fahmiyeh. 2013. Understanding the physical structure of Khoranagh village castle with the approach of being influenced by behavioral patterns, *Iranian Architectural Studies*, 2 (4), 86-65 (in Persian).

- Hansman, J., & Stronach, D. 1974, "Excavations at Shahr-I Qūmis, 1971". *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, No. (1), Pp: 8-22.

- Hedin, S., 2003, *Deserts of Iran*. Tr. P. Rajabi, second edition, Tehran: Association of Cultural Works and Honors (in Persian).

- Hemavi, R., 1975, *Mu'jam ul-Buldān V3*, Beirut, Dar Sader (in Persian).

- Herring, E. 1998, *Iranian pottery in the Parthian period*, tr. H. Choobakah, Tehran: Cultural Heritage Organization (in Persian).

- Hodud al-Alam from the East to the West, (Anonymous 1995). Ed. M. Sotoudeh, Tehran, Tahoori Library Publications (in Persian).

- Ibn Hawqal, 1967, *Šūrat al-'Arḍ*. Tr. Jafar Shoar, Tehran: Amirkabir press (in Persian).

- Ibn Khordadbeh, 1992, *Masālik w' Mamālik*. Tr. Hosein Qarachanlu (in Persian).

- Ibn Manzur, 1993, *Lesan al. Arab*. Beirut, Darsadr (in Persian).

- Istakhri, A., 1995, *Masālik w' Mamālik*. Tr. A. A. Tostari, Tehran: Collection of literary and historical publications of the endowments of Dr. Mahmoud Afshar Yazdi (in Persian).

- Jafari, J. M., 1965, *History of Yazd*. by: I. Afshar, Tehran: Book Translation and Publishing Company (in Persian).

- Jenkins, M., 1983, *Islamic pottery: a brief history* (Vol. 40, No. 4). Metropolitan Museum of Art.

- Judaki Azizi, A.; Mousavi Haji, S. R. Vasegh Abbasi, Z., 2015, "Research in the appearance of Yazd city in the first centuries of the Islamic period". *Historical research*, Fifty-first year, No. 3: Pp: 56-39 (in Persian).
- Katbi, M., 1986, *History of Al-Muzaffar*. by: Dr. A. Navai, Tehran, Amir Kabir Publications (in Persian).
- Katib, A. H. A., 1967, *The New History of Yazd*. by: I. Afshar, Tehran: Farhang-e Iran Zamin Publications (in Persian).
- Keall, E. J. & Keall, M. J., 1981, "The Qal'eh-i Yazdigird Pottery: A Statistical Approach". *Iran*, No. 19(1), Pp: 33-80.
- Kempfer, E., 1988, *Kempfer Travelogue*. Tr. K. Jahandari, Tehran: Kharazmi Publishing Company (in Persian).
- Kent, R. G., 1953, *Old persian: Grammar*. Texts. Lexicon. American Oriental Society.
- Kennet, D., 2002, "Sasanian pottery in southern Iran and eastern Arabia". *Iran*, No. 40, Pp: 153-162.
- Lambton, A., 2007, *Yazd*. in: Bosworth, C. E. (Ed.). *Historic cities of the Islamic world*, (Vol. 1). Leiden, Brill.
- Lesterenj, G., 2008, *Historical Geography of the Eastern Caliphate*. Tr. M. Erfan, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, Seventh Edition (in Persian).
- Mackenzie, D. N., 1971, *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press.
- Malek, H. M., 1993, "A survey of research on Sasanian numismatics". *The Numismatic Chronicle* (1966), Pp: 227-269 (in Persian)..
- Mansoori, Y., 2006, *Etymological study of Pahlavi language verbs*. Tehran: Nashr -e- Athar (in Persian).
- Marco Polo, 1985, *Marco Polo's Travelogue*. Tr. M. Sajjadi, Tehran: Goyesh Publications (in Persian).
- Maqdasi, A. A. M., 1983, *Ahsan al-Taqasim*. Tr. A. N. Monzavi, Iranian Authors and Translators Company (in Persian).
- Mirdeqan Ashkazari, S. F., 2008a, "Archaeological study of Ashkzar region and Rustaq Dehestan, Yazd province". Master's thesis, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran (in Persian).
- Mirdeqan Ashkazari, S. F., 2008b, "Preliminary study and identification report of Ashkezar region and Rustaq Dehestan, Ashkzar city". second phase, archive of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Yazd province (in Persian).

- Moin, M., 2010, *Farhang-e Farsi*. Tehran: Amirkabir Publishing Institute (in Persian).
- Mortezaei, M. & Mirdeqan, S. F., 2014, "A Review of the Location of Yazd in the Early Islamic Period Based on Written Documents and Archaeological Data". *Iranian Archaeological Research*, Vol. 4, No. 6, Pp: 159-174 (in Persian).
- Mostofi, H., 1986, *Tarikh -e- Gozideh*. ed. A. Navai, Tehran: Amirkabir Publications (in Persian).
- Mostofi Bafghi, M. M., 2007, *Jame Mofidi*. Vol. 1, by: I. Afshar, Tehran: Asatir Publications (in Persian).
- Mostofi Qazvini, H., 2011, *Nozhat al. Qolub*. Tehran: Asatir Publications (in Persian).
- Pirnia, M. K., 1992, *Rah va Robot*. Tehran: Armin Publications (in Persian).
- Pollack, J. E., 1990, *Pollack Travelogue*. Tr. K. Jahandari, first edition, Tehran: Kharazmi Publications (in Persian).
- Pourdavud, I., 1999, *Yashtha*. Vol. 2, Tehran: Asatir Publications (in Persian).
- Pourmohammadi, S.; Rahimian, M. H.; Kalantar, M. & Pourmohammadi, S., 2012, "Zoning of the effect of drought on vegetation by remote sensing in Yazd-Ardakan plain". *Natural Geography Research*, Vol. 44, No. 2, Pp: 125-140.
- Safi Puri Shirazi, A. R. A. K., 2012, "Muntahi Al-Arab in the Arabic language". by: M. H. Fouadian., A. Hajiannejad, Tehran: Tehran University Publishing Institute (in Persian).
- Schwats, P., 1994, "Historical Geography of Persia". Tr. J. Kikau, first edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance (in Persian).
- *Sovar al-Aqlim*, (Anonymous 1975). Ed. M. Sotoudeh, Iran Culture Foundation Publications (in Persian).
- Tavernieh, J. B., 1985, *Travelogue of Tavernieh*. Tr. H. R. Shirvani, Tehran: Sinai Library Publications (in Persian).
- Ya'qubi, A. A. Y., 1978, *Al-Baldan*. Tr. M. I. Ayati, Tehran: book translation and publishing company (in Persian).